

تأثیر دیدگاه‌های فمینیسم بر عملکرد زنان در دوره پهلوی دوم با تأکید بر عملکرد اجتماعی اشرف پهلوی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش.

معصومه فهندژسعدی^۱ و محمدکاظم کاوه‌پیشقدم^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۵

چکیده

ورود دیدگاه‌ها و نظریات فمینیستی به ایران دارای پیشینه‌ای مبسوط می‌باشد. اما به طور معمول می‌توان رگه‌های این تفکر را در دوران معاصر، از زمان پهلوی بررسی و تحلیل نمود. به طوری که شاخص‌های اصلی آن از جمله پرداختن به مسائل زنان و گرایش به رفع نابرابری نژادی و اقتصادی و محدود کردن نابرابری‌های جنسیتی قابل تطبیق بر عملکرد یکی از زنان اشراف آن دوره یعنی اشرف پهلوی می‌باشد. چنان‌چه فعالیت‌ها و سازمان‌های مستقل از حکومت، فمینیستی و یا سازنده‌ی جنبش زنان به حساب می‌آمدند. هم‌چنین تشکیل سازمان‌های زنان که اوج آن سازمان زنان ایران بود نیز نشان از وجود فمینیسم آن دوره دارد. این پژوهش می‌کوشد شاخص‌های اصلی ایده‌ی فمینیسم را بر عملکرد این شخص تطبیق دهد. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از مدل الگوی تطبیقی صورت پذیرفته است.

کلید واژه‌ها: فمینیسم، ایران، پهلوی، زن، اشرف پهلوی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): فهندژسعدی، معصومه و محمدکاظم کاوه‌پیشقدم (۱۳۹۸، بهار). «تأثیر دیدگاه‌های فمینیسم بر عملکرد زنان در دوره پهلوی دوم با تأکید بر عملکرد اجتماعی اشرف پهلوی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش.». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال دوم، شماره اول. صص ۴۵-۵۶.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا m.fahandezh2011@gmail.com
^۲ عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز pishghadam2008@gmail.com

۱. مقدمه

فمینیسم اصطلاحی است که به فعالیت‌ها و مطالعات گوناگون فمینیستی در ابتدای دهه‌ی ۹۰ اطلاق می‌شود. فمینیسم مجموعه‌ی گسترده‌ای از نظرات اجتماعی، جنبش‌های سیاسی و بینش‌های فلسفی است که عمدتاً به وسیله‌ی زنان برانگیخته شده یا از زنان الهام گرفته شده است. با ظهور سلسله پهلوی فصل جدیدی در تاریخ زنان ایران گشوده شد و غرب‌زدگی و بی‌هویتی نیمه‌ی پنهان چهره‌ی خود را آشکار ساخت. به طوری که در دوران پهلوی دوم به دنبال هدایت سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، جامعه در جهت هماهنگی و هم‌سوئی با تغییرات جدید و متمایل به غرب، به دلیل اثراتی که خانواده و به‌ویژه زن در این باب داشت، زنان و مسائل آن‌ها در کانون توجه فرهنگی حکومت پهلوی قرار گرفت. به طور نمونه، از جمله‌ی زنانی که در دوران سلطنت و حکومت محمد رضا پهلوی نقشی فراخور مقام و موقعیت خود در ایران ایفاء می‌کرد، می‌توان به خواهر شاه اشرف اشاره کرد.

در این پژوهش کوشش شده است از مدل الگوی تطبیقی استفاده شود. این روشی است که نخستین بار توسط آلموند و پاول^۱ تحت تأثیر نظریه پردازانی چون ماکس وبر^۲، هارولد لاسول^۳ و مورتون کاپلان به کار گرفته شد (سیف زاده، ۱۳۶۸: ۷۸). در این روش، نظام به دو بخش خارجی و داخلی تقسیم می‌گردد که نظام‌های مزبور دائماً در حال تأثیر و تأثر بر یکدیگر هستند که باید آن‌ها را به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار داد.

۲. بررسی مفهومی فمینیسم:

فمینیسم اصطلاحی است که به فعالیت‌ها و مطالعات گوناگون فمینیستی در ابتدای دهه‌ی ۹۰ اطلاق می‌شود. این جنبش در واکنش به احساس ناکامی موج دوم فمینیسم و در مقابل برخی حرکات و ابتکارات آن ظهور کرد (فریدمن، ۱۳۸۱: ۵). واژه‌ی فمینیسم برای اولین بار در سال ۱۸۳۷ میلادی وارد زبان فرانسه شد (میشل، ۱۳۷۸: ۱۱). واژه‌ی فمینیسم را نخستین بار شارل فوریه، سوسیالیست قرن نوزدهم برای دفاع از جنبش حقوق زنان به کار برد. فمینیسم مجموعه‌ی گسترده‌ای از نظرات اجتماعی، جنبش‌های سیاسی و بینش‌های فلسفی است که عمدتاً به وسیله‌ی زنان برانگیخته شده یا از زنان الهام گرفته شده مخصوصاً در زمینه‌ی شرایط اجتماعی - سیاسی و اقتصادی آن‌ها. به عنوان یک جنبش اجتماعی، فمینیسم بیش‌ترین تمرکز خود را معطوف به تحدید نابرابری‌های جنسیتی و پیش‌برد حقوق، علایق و مسائل زنان کرده است (تافلر، ۱۳۷۱: ۲۸۹).

1. Almond Gabriel and G.Bing Hmpowell

2. Weber Max

3. Lasswell Harold

۳. شاخصه‌های فمینیسم:

۳-۱. پرداختن به مسائل زنان:

مهم‌ترین ویژگی فمینیست‌ها، دفاع از زن و حقوق زن می‌باشد. فمینیست‌ها ادعا می‌کنند که شاخصه و هدف اصلی‌شان رفع تبعیض علیه زنان و برابری واقعی میان زنان و مردان است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۳۶).

۳-۲. گرایش به رفع نابرابری نژادی و اقتصادی:

تقریباً تمامی گرایش‌های فمینیستی، نابرابری حقوقی، اقتصادی و سیاسی زن و مرد را غیر طبیعی و ناشی از نادیده انگاری یا ستم علیه زنان می‌دانند و از خانواده‌ی سنتی و نقش‌های مبتنی بر جنسیت انتقاد می‌کنند (همان: ۲۳).

۳-۳. تحدید نابرابری‌های جنسیتی:

فمینیست‌ها معتقدند اشتغال و استقلال اقتصادی زنان، عامل اساسی برابری زن و مرد در حقوق و تکالیف است. آزادی جنسی از جمله این حقوق می‌باشد (همان: ۷۲).

در مجموع، هسته‌ی مشترک بین تمام گرایش‌های فمینیستی عبارت است از: اعتراض نسبت به آنچه تبعیض علیه زنان نامیده می‌شود و تلاش برای ارتقاء و بهبود وضعیت آنان (رودگر، ۱۳۸۸: ۲۶). محور تمام نظریات فمینیستی، بحث برابری و تفاوت است. دو اصل و شاخصه‌ی مهم برابری، تأکید برابری زن و مرد و انکار تفاوت‌های دو جنس است (همان، ۱۳۸۸: ۱۲۶ و ۱۲۷). برخلاف فرهنگ رایج در جامعه که زنان را به دلیل ویژگی‌های زنانانه از قبیل عاطفه و مهربانی، انعطاف پذیری، ایثارگری و مانند آن، از امور سیاسی و اجتماعی ناتوان و برای خانه و خانواده مناسب و کارآمد می‌دید؛ فمینیست‌ها معتقدند زنان دقیقاً به‌خاطر همین ویژگی‌ها باید به عرصه‌ی اجتماع و سیاست وارد شوند. بر این اساس، اگر ویژگی‌های ارزشمند زنان در سراسر جامعه گسترش یابد، جنگ و خشونت، رقابت و دشمنی و سایر مشکلات سیاسی و اجتماعی، جای خود را به صلح و دوستی و مهربانی خواهد داد (همان: ۱۳۶).

در کل می‌توان گفت که تأکید فمینیست‌ها بر نامساعد بودن وضع سیاسی زنان، کوشش برای کشف علل این وضع و ارائه‌ی راه‌حل برای رهایی از آن می‌باشد (همان: ۱۴۳). تأکید فمینیست‌های ایران نیز پس از حق تحصیل، تغییر قوانین ازدواج و طلاق و پرداختن به بهداشت و پیشگیری از بیماری در میان مادران و کودکان بود (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۷۹).

۴. شخصیت اشرف پهلوی:

در سال ۱۲۹۸ ه.ش. در یکی از خانواده‌های متوسط، دختری پس از پنج ساعت انتظار دیده به جهان گشود (پهلوی، ۱۳۸۱: ۲). این دختر که به هنگام تولد زهرا نام گرفت به دلیل تولد فرزند پسری قبل از خود چندان مورد توجه واقع نگشت و مانند فرزندی ناخواسته در جریان ناملايمات خانوادگی قرار گرفت (کسری، ۱۳۸۰: ۱۰۵). بررسی زوایای دوران کودکی و شیوه‌ی تربیتی حاکم بر دربار به‌خوبی نشان می‌دهد که تنهایی و بی‌توجهی به اشرف در دوران کودکی، یکی از مهم‌ترین عوامل برون‌گرایی و قدرت‌طلبی او در دوران بعدی زندگیش بود. چه او می‌خواست این بی‌توجهی را با حضور همه‌جانبه‌اش در وقایع و حوادث جبران کند و مهم‌ترین فرد در امور سیاسی کشور پس از برادرش گردد (همان: ۱۰۹). فعالیت‌های اشرف از این زمان به بعد را می‌توان به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تقسیم کرد. که در این مقاله، بنا به ضرورت بحث، فعالیت‌های اجتماعی وی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و رگه‌های تفکرات فمینیستی را در این فعالیت‌ها بررسی و تطبیق خواهیم داد.

۵. فعالیت‌های اجتماعی اشرف پهلوی:

اشرف پهلوی که پس از کشف حجاب به دلیل عدم محبوبیت در خانواده، چندان در فعالیت‌های اجتماعی شرکت داده نمی‌شد؛ اما به محض فوت پدرش، در اولین فعالیت‌های اجتماعی خویش شرکت کرد (همان: ۱۱۸). نخستین اقدام اشرف برای پوشاندن کمبودهای علمی خود، چاپ ترجمه‌ی کتاب‌های «مادر بچه» نوشته‌ی بنجامین اسپاک و «فن پرستاری» نوشته‌ی هلن گیل بود. در پی چاپ کتب فوق، اشرف به دعوت رسمی صلیب سرخ شوروی در سال ۱۳۲۵ ه.ش. به آن کشور مسافرت کرد و پس از آن در سال ۱۳۲۶ ه.ش. بنا به دعوت صلیب سرخ به کشورهای انگلستان، سوئد، ایالات متحده آمریکا و هندوستان رفت و به بازدید از سازمان‌های صلیب سرخ این کشورها پرداخت. پس از بازگشت در اواخر سال ۱۳۲۶ ه.ش.، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی تحت ریاست محمد رضا شاه و به نیابت اشرف پهلوی تأسیس شد (همان: ۱۱۹). و این‌گونه بود که اشرف به‌طور رسمی فعالیت‌های اجتماعی خود را شروع و به حضور خود در جامعه‌ی سیاسی و تبیین اندیشه‌های فمینیستی‌اش رسمیت داد.



تصویر: اشرف پهلوی در حال بازدید از یکی از بیمارستان‌های شیر و خورشید

۵-۱. سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی:

این سازمان در ۶ اردیبهشت ۱۳۲۶ ه.ش.، تأسیس گردید و اشرف پهلوی به‌عنوان نیابت سرپرست عالی (شاه) در رأس آن قرار گرفت. اساسنامه‌ی این سازمان مشتمل بر ۱۹ ماده، در تیرماه ۱۳۲۷ ه.ش. به‌جای تصویب مجلس شورای ملی، به توشیح ملوکانه رسید و به مرحله‌ی اجرا گذارده شد. تأسیس بیمارستان و درمانگاه در هفتاد نقطه‌ی کشور تا سال ۱۳۴۰ ه.ش.، تأسیس آموزشگاه پرستاری، کانون کار و آموزش، آموزشگاه نابینایان، کانون آسایش، بخش جراحی بیمارستان سینا، کمک به مادران و کودکان و اقدامات فرهنگی نظیر ساختمان خوابگاه در کوی دانشگاه، پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانش آموزان بی بضاعت و ...، از جمله اقداماتی بود که گفته می‌شد هدف از تشکیل این سازمان، انجام دادن آن‌ها بوده است.

۵-۲. شورای عالی جمعیت زنان:

شورای عالی جمعیت زنان ایران در اسفندماه ۱۳۳۷ ه.ش.، به ریاست اشرف پهلوی تأسیس شد. هسته‌ی اولیه‌ی این جمعیت از سال ۱۳۲۲ ه.ش.، با جلساتی که در منزل صفیه فیروز انجام می‌شد، شکل گرفته شده بود (همان: ۱۲۲). مؤسسین شورا که شامل ۵۰ تن از بانوان عضو انجمن‌های گوناگون، اعضای منفرد بودند، در روز یازدهم اسفندماه ۱۳۳۷ ه.ش.، تشکیل جلسه دادند و رسماً تشکیل شورا را اعلام کردند. از اهداف انجمن می‌توان به شرکت در امور خیریه و بالا بردن امور صنفی و حرفه‌ای برای دختران نام برد (همان: ۱۲۳). پس از مدتی این شورا به عضویت شورای بین المللی زنان درآمد و به تطبیق فعالیت‌های جمعیت‌های زنان در نقاط مختلف پرداخت. این شورا سرانجام پس از ۸ سال فعالیت به دلیل عدم موفقیت منحل شد.

۵-۳. جمعیت زنان صلح‌جو:

این انجمن در سال ۱۳۴۰ ه.ش.، با نظر محمد حجازی (مطیع الدوله) مبنی بر این که زنان بهتر می‌توانند صلح‌جویی را در خانواده‌ها حفظ کنند و در اجتماع مؤثر باشند، تشکیل گردید (همان: ۱۲۴). هیأت مؤسس این جمعیت، پس از تهیه مقدمات کار و اقدامات لازم و انتخاب هیأت مدیره، اساسنامه‌ی آن را در سال ۱۳۴۳ ه.ش.، به شماره‌ی ۸۴۴ به ثبت رسانیده و پروانه‌ی آن را به‌نام طاهره اسکندری رئیس هیأت مدیره جمعیت اخذ کردند. اعضای این انجمن جهت مبارزه با بی-سوادی و همچنین ایجاد رابطه با جمعیت‌های بین‌المللی و جمعیت‌های صلح کشورهای مختلف جهان با شعار همکاری و هماهنگی در برقراری صلح پایدار فعالیت می‌نمودند. کسب حق رأی که در موج اول به مهم‌ترین شعار فمینیست‌ها تبدیل شده بود، اهمیت خود را از این جهت می‌یابد که حق رأی اولین قدم برای ورود به عرصه‌ی عمومی، یعنی عرصه‌ی تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری است و

زنان ایرانی تصور می‌کردند با کسب حق رأی به تدریج می‌توانند به برابری حقوقی و از طریق برابری حقوقی به رفع تبعیض و برابری کامل در همه‌ی عرصه‌ها دست یابند (رودگر، ۱۳۸۸: ۷۱). تلقی‌ای که فمینیست‌ها از مبارزه برای کسب حق رأی داشتند، این بود که با دستیابی زنان به حق رأی، به تدریج و خود به خود سایر نابرابری‌های سیاسی و حقوقی نیز از بین خواهد رفت.



تصویر: اشرف پهلوی، در حال سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

ژوئیه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴-۵. سازمان زنان ایران:

این سازمان از مهم‌ترین سازمان‌های زنان در عصر پهلوی می‌باشد که برای جواب‌گویی به خواسته‌های محمدرضا جهت ظاهرسازی و اظهار آمادگی برای ورود به تمدن جدید ایجاد گردید. این سازمان با شعار کسب حق رأی برای زنان در انقلاب سفید ۱۳۴۲ ه.ش.، رسماً فعالیت خود را به ریاست اشرف پهلوی و نایب رئیسی فریده دیبا (مادر فرح) آغاز نمود (احمدی خراسانی و اردلان، ۱۳۸۲: ۵۰۳). در اولین جلسه‌ی سازمان زنان، از سوی اشرف پهلوی، خانم‌ها: پروین مؤید ثابتی، شمسی حکمت، مهوش صفی‌نیا، اختر معدل، فلورا طغرل، ایران اعلم و عزت معتمدی به‌عنوان

اعضای هیأت مدیره و خانم‌ها: فخرالسادات امین، هما افضل، فرزین فریدونی، پروین بوذری و هما روحی نیز به‌عنوان اعضای انتصابی انتخاب شدند (همان: ۵۰۴). اهداف سازمان زنان ایران عبارت بودند از:

- ترفیع مقام زن ایرانی
- بسیج و استفاده هر چه بیش‌تر از زنان ایرانی برای به ثمر رساندن تحولات اجتماعی
- هماهنگی و هدایت فعالیت‌های جمعیت‌های زنان
- ارائه‌ی خط مشی در به ثمر رساندن مساعی قاطبه‌ی زنان کشور
- ایجاد تفاهم و مناسبات متقابل بین زنان ایران و سازمان‌ها و زنان کشورهای خارج (همان: ۴۸۹).

در کل می‌توان گفت که هدف سازمان زنان ایران، بالا بردن دانش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان بود (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۲۹). با تأسیس حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۳ ه.ش، از سوی محمدرضا پهلوی، رویکرد سازمان زنان به مسائل سیاسی تغییر یافت و با حضور مهناز افخمی، دبیرکل سازمان زنان ایران در هیأت دولت به‌عنوان وزیر مشاور و عضویت او در حزب رستاخیز، عملاً سازمان زنان وارد فعالیت‌های سیاسی و دولتی شد (صفوی، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

۵-۵. کمیسیون مقام زن وابسته به سازمان ملل متحد:

کمیسیون مقام زن یکی از ارکان شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد بود که در سال ۱۳۴۷ ه.ش، به‌عنوان یکی از کمیسیون‌های فعال شورا تأسیس شد و اشرف پهلوی به اتفاق آراء به ریاست آن برگزیده شد. ریاست هیأت نمایندگی ایران در کمیسیون مقام زن بر عهده‌ی مهری آهی بود (کسری، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

۵-۶. کمیسیون مبارزه با بی‌سوادی:

در سال ۱۳۴۲ ه.ش، کنگره‌ای جهت مبارزه با بی‌سوادی، با هدف ریشه‌کن کردن بی‌سوادی تحت ریاست محمدرضا پهلوی تشکیل شد و سال بعد ریاست این کنگره را اشرف پهلوی به عهده (همان، ۱۳۸۰: ۱۳۴). فعالیت‌های این کنگره، مانند بسیاری از فعالیت‌های آن عصر، جنبه‌ای ظاهری و تصنعی داشت، به‌طوری که با وجود مخارج بسیار بالای این کنگره، عملاً بی‌سوادی در جامعه وجود داشت.

هم‌چنین اشرف پهلوی در سال ۱۳۴۳ ه.ش، به ریاست کمیته‌ی ایرانی حقوق بشر و ریاست ششمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در نیویورک و رئیس هیأت نمایندگی ایران در سال ۱۳۴۵

ه.ش. رسید. می‌توان گفت که سازمان‌های فعال بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ه.ش. دارای استقلال بیش‌تری از حاکمیت بودند و از صراحت و رادیکالیزم بیش‌تری در مورد حقوق زنان برخوردار بودند. ویژگی اصلی گروه‌های زنان طی این دوره، همکاری نزدیک و لاینفک آن‌ها با احزاب سیاسی مختلف بود؛ تا حدی که مسائل مربوط به حقوق زنان برای احزاب سیاسی موضوعاتی درجه دوم و فرعی قلمداد می‌شد. زنان فعال در این گروه‌ها تقدم بیش‌تری برای آرمان‌های عمومی هم‌زمان مردشان قائل بودند تا آرمان خاص خود درباره‌ی حقوق زنان (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

دهه‌ی ۱۳۳۰ ه.ش. نیز دوره‌ی متمرکزسازی و هم‌گرایی در میان انجمن‌ها و سازمان‌های مختلف زنان بود. در حالی که رضاشاه زنان فعال را به همکاری با دولت وادار می‌کرد، پسرش آن‌ها را تشویق به تمرکز و هم‌گرایی سازماندهی شده کرد که از طریق آن، همه‌ی زنان فعال تحت یک سازمان مرکزی قرار می‌گرفتند. هر چند سازمان‌های زنان غیر قانونی اعلام نشدند اما آن‌ها برای کسب قانونی بودن مجبور به پذیرش و پیوستن به شورای عالی جمعیت زنان ایران بودند. فقط از طریق چنین موجودیتی بود که گام‌هایی برای حقوق زنان می‌توانست به وسیله‌ی سازمان‌های دولتی هدایت شود (همان، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

۶. نتیجه‌گیری:

همان‌طور که بیان شد، جنبش زنان در شرایطی که زمینه‌های مناسبی برای شکل‌گیری هویت و آگاهی جمعی و سازماندهی و ارتباطات وجود داشت، شکل گرفت و گسترش یافت. آن‌ها برای رد این تفکر که فرودستی زنان ناشی از طبیعت ایشان است، مبارزه کردند تا برای وضعیت زنان تحول ایجاد کنند. امروزه حضور زنان در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را می‌توان از پیامدهای جنبش زنان یا فمینیسم دانست. به‌طوری که با ظهور سلسله‌ی پهلوی، فصل جدیدی در تاریخ زنان ایران گشوده شد و غرب‌زدگی و بی‌هویتی نیمه پنهان چهره‌ی خود را آشکار ساخت. کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ ه.ش.، که به بهانه‌ی آزاد کردن نیمی از نیروهای انسانی جامعه تحقق یافت، نقطه‌ی عطفی است که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری برداشت‌های منفی در ذهنیت جامعه مسلمان ایرانی داشت. حرکت‌های اجتماعی زنان ایرانی حتی چهل سال بعد از آن غالباً متأثر از الگوهای غربی، آن هم از نوع مبتذل دهه‌های شصت و هفتاد میلادی بود که در برنامه‌هایی مانند انتخاب دختر شایسته، تشکیل کاخ‌های جوانان و تشکیل شهرک‌های دختران تجلی یافت. می‌توان گفت که سازمان‌های جدید زنان صرفاً ویتترین سیاست‌های دولت بودند.

هم‌چنین رهبران سازمان زنان افرادی بودند که با دستگاه حاکمه توافق و لااقل هماهنگی اولیه‌ای داشتند. سازمان زنان طبق قواعدی که دولت تنظیم کرده بود، عمل می‌کرد و از این طریق مشروعیت عملی به دست می‌آورد. این سازمان ناچار بود به‌منظور پیگیری مسائل مربوط به زنان،

شیوه‌های قابل پذیرش از سوی رژیم را دنبال کند. به منظور تضمین تبعیت و فرمان برداری سازمان زنان ایران، رشته‌ای از مکانیزم‌های کنترل در ساختار آن نهادینه شده بود. از زمان شکل‌گیری این سازمان ریاست عالی سازمان زنان ایران با اشرف پهلوی بود و نیابت ریاست بر عهده‌ی فریده دیبا بود. به عبارت دیگر، بر اساس اساسنامه‌ی سازمان زنان ایران، خواهر شاه یعنی اشرف پهلوی در تمامی بدنه‌ی تصمیم‌گیری سازمان زنان نفوذ و تسلط کامل داشت؛ اما با وجود تمام این مسائل می‌توان گفت که شاید مثبت‌ترین جنبه‌ی این سازمان، رسیدگی به مسائل و مشکلات قانونی در رابطه با حقوق زنان بود. هر چند موقعیت سازمان زنان موقعیت ارگانی هم‌گرا و گزینش شده بود که می‌توانست برای کسب تغییرات قانونی در حقوق زنان فقط در هماهنگی با دولت عمل کند، اما رژیم در چارچوب نیازش برای ارائه‌ی چهره شاه به‌عنوان رهبری ترقی خواه و دولتی مدرن، به سازمان زنان آزادی عمل قابل ملاحظه‌ای داده بود.

سازمان زنان برای این به‌وجود آمد که آن موقع نهضت آزادی یا جریان‌های ملی‌گرا یا مذهبی وجود داشتند و آن‌ها برای این که در برابر این جریان‌ها، تشکل وسیعی را با بهره‌گیری از زنان ایجاد کنند، خودشان این سازمان را ایجاد کردند و در رأس آن قرار گرفتند. در نتیجه حرکت‌های دوره‌ی پهلوی در خصوص زنان، نه به اعتبار زنان دربار بلکه بیش‌تر بنا به ضرورت‌های جامعه رخ داد. زنانی که به مجلس راه یافتند از اولین زنان تحصیل کرده بودند و وقتی وارد مجلس شدند توانستند برخی قوانین جدید را که حتی زنان ایران از آن‌ها اطلاع نداشتند، به تصویب رسانند. هم‌چنین بعد از سال ۱۳۴۳ ه.ش، به جز حق رأی و حق انتخاب شدن، قوانینی در خصوص حقوق کارگران نیز تصویب شد. موضوع هشت ساعت کار مطرح گردید و حق شیردهی تصویب شد و به عمل درآمد. هم‌چنین زنان کارگر با حقوق برابر در کنار مردان قرار گرفتند و توانستند هم‌تراز مردان تحصیل نمایند. هم‌چنین برابری جنسیتی اشرف پهلوی نیز وسیله خوبی برای لابی شاه و البته ابزار کنترل شاه بر سازمان‌های زنان بود. او سعی می‌کرد به نفع خودش روی سیاست‌ها و نظرات شاه نیز تأثیر گذارد و می‌توان گفت که این‌ها نشانی از وجود فمینیسم در آن دوره بود.

منابع:

- احمدی خراسانی، نوشین و پروین اردلان (۱۳۸۱). **خاطرات مهرانگیز منوچهریان (سناتور)**. تهران: نشر توسعه.
- افراسیابی، بهرام (۱۳۸۱). **همسران شاه**. چاپ نهم، تهران: انتشارات مهتاب.
- پهلوی، اشرف (۱۳۸۱). **زنان دربار به روایت اسناد ساواک: اشرف پهلوی**. تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- تافلر، الوین (۱۳۷۱). **موج سوم**. ترجمه‌ی شهیندخت خوارزمی، تهران: انتشارات ناشر.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵). **فمینیسم**. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- رودگر، نرجس (۱۳۸۸). **فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد**. قم: سازمان ملی جوانان، تهران: شورای عالی حوزه علمیه، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران؛ دفتر مطالعات و تحقیقات.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰). **شکست شاهانه (روانشناسی شخصیت شاه)**. ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). **جنبش حقوق زنان در ایران؛ طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷**. ترجمه‌ی نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر اختران.
- شوکران، ویلیام (۱۳۷۰). **آخرین سفر شاه**. ترجمه‌ی هوشنگ مهدوی، چاپ هفتم، تهران: چاپ نشر البرز.
- صفوی، فاطمه (۱۳۸۶). «مهناز افخمی و سازمان زنان ایران»، **فصلنامه‌ی مطالعات تاریخی**؛ مؤسسه مطالعات تاریخی، سال چهارم، شماره هجدهم، پاییز ۱۳۸۶.
- صمیمی، مینو (۱۳۷۰). **پشت پرده‌ی تخت طاووس**. ترجمه‌ی دکتر حسین ابوترابیان، چاپ پنجم، تهران: اطلاعات.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۲). **بازیگران عصر پهلوی: از فروغی تا فردوست**. تهران: نشر علم.
- علم، اسدالله (۱۳۷۱). **یادداشت‌های علم**. چاپ سوم، تهران: نشر طرح نو.
- فریدمن، جین (۱۳۸۱). **فمینیسم**. ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.
- کسری، نیلوفر (۱۳۸۰). **زنان ذی نفوذ خاندان پهلوی**. چاپ سوم، تهران: نشر نامک.
- میشل، آندر (۱۳۷۸). **فمینیسم؛ جنبش اجتماعی زنان**. ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده، چاپ دوم، مشهد: نشر نیکا.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی